



زبان

پرسش: از آنجا که حضرت آدم یک زبان داشته چگونه در حال حاضر زبان‌های گوناگون به وجود آمده است و منشاء این تعدد زبانها کجاست؟

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - اهمیت زبان شناسی
- ۳ - چیستی زبان
- ۴ - منشاء تعدد زبانها
- ۵ - معرفی منابع بیشتر
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

مقدمه

برای پاسخ به سوال فوق به سه محور میپردازیم:

اهمیت زبان شناسی

زبان‌شناسی را می‌توان مطالعه نظامند زبان تعریف کرد. رشته‌ای که تمام جنبه‌های زبان را توصیف می‌کند و نظریه‌هایی را در مورد چگونگی عملکرد آن ارائه می‌دهد. [۱]

توجه به زبان امر تازه‌ای نیست. شواهدی از قدیمی‌ترین تاریخ مدون در دست است که انسان در آن زمان نیز پیرامون زبان به پژوهش می‌پرداخت. بسیاری از فرضیه‌ها، نظریه‌ها و اهداف زبان‌شناسی جدید، ریشه در قرون گذشته دارند. علاوه بر آن مطالعات غیرزبان‌شناختی از زبان نیز، همانند آرای ارائه شده از سوی بسیاری از مردم جامعه ما دربارهٔ زبان، از اندیشه‌های گذشته متأثر شده‌اند. بررسی مختصر تاریخ زبان‌شناسی، زمینه‌ای را برای درک خدماتی که در گذشته صورت گرفته است و همچنین برای درک پندارهای نادرست دربارهٔ زبان فراهم می‌آورد. قدمت بسیاری از اصطلاحاتی که در بررسی‌های جدید زبان به کار برده می‌شوند به یونان باستان باز می‌گردد. زبان‌شناسان تنها دانشمندانی نیستند که به مطالعهٔ زبان می‌پردازند. در بسیاری از رشته‌های دیگر نیز داشتن شناختی از زبان بسیار مهم است. متخصصین **تعلیم و تربیت**، فیلسوفان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان، و دانشجویان ادبیات با مطالعهٔ زبان، همه می‌توانند از حوزه‌های تخصصی خود، شناختی عمیق‌تر داشته باشند. [۲] از این رو برخی از **دانشمندان** گفته‌اند: «زبان‌شناسی به دلیل ساخت نظری و دقت در نقشی که بر عهده دارد و روابط ارزشمندی که با سایر رشته‌ها به وجود آورده است، پیشرفته‌ترین دانش در میان علوم اجتماعی است.» [۳]

چیستی زبان

زبان‌شناسان تعاریف متعددی برای زبان ذکر کرده‌اند که البته تشابه‌های زیادی با یکدیگر دارند. اینک به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

۱. آلتون می‌نویسد: «زبان اغلب به شبکه یا (منظومه)‌ای از نمادها تعریف می‌شود و این تعریف را می‌توان مخلص کلام دانست.» [۴]
۲. ایچیسون می‌نویسد: «زبان را می‌توان به عنوان شبکه پیچیده‌ای از عناصر به هم پیوسته در نظر گرفت که در آن هر عنصر، جایگاه خاص خود را دارد و هویت آن از طریق سایر عناصر مشخص می‌شود.» [۵]
- و نیز می‌نویسد «به طور خلاصه می‌توان گفت: زبان عبارت است از نظام طرح‌مندی از نشانه‌های آوایی قراردادی که مفید بودن به ساخت، خلاقیت، قشرشکنی، دوگانگی ساخت و انتقال فرهنگی از ویژگی‌های عمده آن است.» [۶]
۳. رابرت اندرسن هال می‌نویسد: «زبان انسان در درجه اول دستگاهی است از علائم دهانی - گوشه‌ای. به عبارت دیگر، زبان از صداهایی ترکیب شده است. صداهای به منزلهٔ عناصر سازنده‌ای هستند که زبان از اجتماع آنها به وجود می‌آید.» [۷]
۴. جولیا اس، فالک می‌نویسد: «زبان یک پدیدهٔ ذهنی است، پیکره‌ای از دانش مربوط به آواها، معانی و نحو که در ذهن جای دارد. البته این دانش را می‌توان به کار بست، اما گفتار یا نوشتاری که از آن عاید می‌شود صرفاً تجلی زبان می‌باشد اما خود زبان نیست.» [۸]

اینها نمونه‌هایی از تعاریف زبان بود البته همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید زبان منحصر به زبان گفتاری نیست و از این‌رو تعاریفی که زبان را مثلاً دستگاهی از علائم دهانی - گوشه‌ای معرفی کرده‌اند آن را به مصداق مهم‌اش تعریف نموده‌اند و تعریف عامی همچون زبان یعنی شبکه‌ای از نمادها می‌تواند زبان گفتاری و غیرگفتاری را در برگیرد. دربارهٔ عام بودن زبان رابرت لارنس ترسک می‌نویسد: «رسانه اصلی زبان برای اغلب انسان‌ها گفتار است البته گفتار تنها رسانه ممکن نیست و رسانه‌های دیگری نیز توسط انسان به کار می‌رود. افراد ناشنوا قادر به شنیدن آواها نیستند، بنابراین گفتار رسانه‌ای مناسب برای آنان محسوب نمی‌شود. اما ناشنوایان بینایی طبیعی دارند و رسانهٔ بصری در حوزهٔ زبان برای این افراد کاملاً مناسب است. در واقع چنین رسانه‌ای وجود دارد. به این رسانه اشاره گفته می‌شود و زبانی که رسانه اصلی‌اش اشاره باشد، زبان اشاره نامیده می‌شود.» [۹]

منشاء تعدد زبانها

اکنون که معنای زبان و تاریخچه و جایگاه مطالعات زبان‌شناسی اندکی روشن شد به پاسخ یکی از محورهای پرسش می‌پردازیم که منشاء تعدد زبان چیست؟ زبان‌شناسان عوامل مختلفی را برای تعدد و تکرر زبان ذکر کرده‌اند.

جین ایچیسون در عوامل تفاوت زبانی و اسباب تغییرساز زبان می‌نویسد: «در یک جامعه زبانی، گونه‌های متفاوت زبانی وجود دارد. گفتار اعضای یک جامعهٔ زبانی [۱۰] بر حسب عواملی از قبیل موقعیت جغرافیایی، سن، شغل، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، گروه نژادی و جنسیت فرق می‌کند.» [۱۱] البته این عوامل اجتماعی را نباید عوامل اصلی تغییر زبان بر شمرد بلکه همانطور که ایچیسون گفته است «دو عامل زیر علت عمدهٔ تغییر زبان را تشکیل می‌دهند. از یک طرف گرایش‌های زیربنایی‌ای در زبان هست که عوامل اجتماعی آنها را بر می‌انگیزاند و از طرف دیگر گرایش‌های ترمیمی یعنی گرایش به برقراری **نظم** به منظور

بازسازی الگوهای آسیب‌دیده، وجود دارد.» [۱۲] به هر حال توانایی‌های طبیعی زبان در آدمی و برانگیزندگی عوامل اجتماعی و بیرونی مجموعاً مایه تغییر زبان و بوجود آمدن زبان‌های جدید می‌گردد به گونه‌ای که برخی زبان‌شناسان گفته‌اند: امروزه ۵۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد. [۱۳] این که حضرت آدم یک زبان داشت چگونه تعدد زبان بوجود آمد روشن گردید. یعنی توانایی دستگاه زبانی انسان و برانگیزندگی عوامل اجتماعی مایه تغییر زبان در طول زمان و پیدایش زبان‌های جدید گردیده است. نکته اضافه بر این مطالب آنست که **خداوند** **حوا** را نیز در کنار آدم خلق کرد و سپس فرزندان آنها به دنیا آمدند و بدین ترتیب عوامل برانگیزندگی دستگاه زبان انسان برای پیدایش زبان‌های متنوع و جدید به وجود آمد.

معرفی منابع بیشتر

- ۱- دائرة المعارف تشیع، چاپ هشتم، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۹، ذیل واژه زبان. چاپ اول.
- ۲- جین ایچیسون، مبانی زبان‌شناسی، ترجمه مجد فائض، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰، چاپ دوم.

پانویس

۱. ↑ جین ایچیسون، مبانی زبان‌شناسی، ترجمه مجد فائض، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۵.
۲. ↑ جولیا اس. فالک، زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۱۹-۲۰.
۳. ↑ رومن یاکوبسن، روندهای بنیادین در دانش زبان، ترجمه کورش صفوی، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۳.
۴. ↑ ویلیام پی. آلتون، فلسفه زبان، ترجمه احمد ایرانی‌منش و احمد رضا جلیلی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهرودی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۴۶.
۵. ↑ جین ایچیسون، همان، ص ۲۵.
۶. ↑ همان، ص ۲۹.
۷. ↑ رابرت اندرسن هال، زبان و زبان‌شناسی، ترجمه مجد رضا باطنی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۷۰.
۸. ↑ جولیا اس. فالک، همان، ص ۳۱.
۹. ↑ رابرت لارنس ترسک، مبانی زبان، ترجمه علی فامیان، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۹.
۱۰. ↑ جامعه زبانی عبارت است از هر گروهی از مردم که گمان می‌کنند به زبان یکسانی سخن می‌گویند. (جین ایچیسون، مبانی زبان‌شناسی، ص ۱۶۶).
۱۱. ↑ جین ایچیسون، همان، ص ۱۶۷.
۱۲. ↑ همان، ص ۲۱۸.
۱۳. ↑ رابرت لارنس ترسک، همان، ص ۲۴.

منبع

اندیشه قم. 

رده‌های این صفحه : تاریخ انبیاء | حضرت آدم